



## طرق جبران خسارت معنوی از دستگاه‌های دولتی در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

نادر دهقان دهنوی<sup>۱</sup>

محمدرضا سلطانی

### چکیده

در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی قابل جبران است. در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱، ۲، ۸، ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه ی ضرر و زیان معنوی مورد تایید قرار گرفته است. بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز، جواز جبران خسارت معنوی ثابت است؛ چون با شناخت مسئولیت جبران خسارت معنوی ناشی از حکم قاضی در این اصل و نبودن علت خاصی که حکم مزبور را منحصر به این مورد خاص سازد، امکان جبران ضرر معنوی از این اصل به دست می آید. به هر شکل با توجه به اینکه هم اکنون در نظام حقوقی ما در خصوص مطالبه خسارت وارده به افراد از ناحیه دستگاه‌های دولتی دچار تشتت قواعد و مقررات می باشیم و تضاد عقیده میان فقهای امامیه و حقوقدانان در خصوص تمامی خسارت‌ها باعث شده که آراء متضاد و متناقضی از سوی دادگاههای دادگستری صادر گردد و باعث ابهام بیشتر نظام حقوقی گردیده، لذا با بررسی و تجزیه و تحلیل قواعد عام و خاص حاکم بر مسئولیت مدنی و به تبع آن مطالبه خسارت از دستگاه‌های دولتی پرداخته می شود تا ضمن اینکه مبانی و قالبهای حقوقی مطالبه خسارت و راهکارهای آن مشخص شود به ابهامی که قواعد عام و حاکم بر مسئولیت مدنی با آن روبرو است پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** جبران خسارت، مسئولیت مدنی، دستگاه‌های دولتی، زیان دیده

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول



## بخش اول: کلیات

موضوع خسارت معنوی، مصادیق، امکان مطالبه و نحوه‌ی جبران آن از موضوعات نسبتاً پیچیده‌ی علم حقوق است. در تعریفی که فقها از مفهوم مطلق ضرر ارائه داده‌اند، به برخی از اقسام ضررهای معنوی اشاره شده و تقریباً اغلب فقها ورود هر گونه نقض به آبرو، جان و هر بعدی از ابعاد وجودی شخصیت انسان را ضرر محسوب کرده‌اند. اغلب کشورها در گذشته، ضرر و زیان معنوی را غیر قابل جبران می‌دانستند و به این دلیل دادگاهها از صدور حکم به جبران آن خودداری می‌نمودند. کشورهای تابع حقوق سوسیالیست مانند: اتحاد جماهیر شوروی سابق، و دانمارک از جمله این گروه کشورها محسوب می‌شوند. از این رو موضوع ضرورت و امکان جبران ضرر معنوی، موجب بروز بحث‌های زیادی بین علمای حقوق گردیده است چرا که در شرایط زندگی امروز، دیگر تحمل ضرر منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی را از دست می‌دهد؛ بلکه لطمه روحی، آسیب‌های روانی و خسارت معنوی هم اهمیت زیادی یافته است. به گونه‌ای که انسان در برابر لطمات معنوی نیز آسیب پذیر شده است. لطماتی که گاه آشکار نیست و از درون به انسان آزار می‌رساند. به همین دلیل در شرایط زندگی صنعتی، ارجح بودن جبران ضررهای مادی نسبت به ضررهای معنوی مورد تردید و بحث می‌باشد. بنابراین همواره این پرسش مطرح بوده که آیا لطماتی که به حیثیت و اعتبار شخص وارد می‌شود، قابل جبران است و این که چگونه و با چه توجیهی می‌توان آن‌ها را با پرداخت پول جبران کرد؟ در فقه، جبران خسارت معنوی، با استناد به دلایلی قابل پذیرش و توجیه است. قاعده «لا ضرر» که از مسلمات فقهی می‌باشد و منشأ بسیاری از احکام عبادی و معاملی واقع شده، قلمروی وسیعی دارد و برای اثبات مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و روش‌های جبران آن مورد استناد واقع شده است. در آیات و روایات نیز به بسیاری از مصادیق ضررهای معنوی اشاره شده است.

## بند اول: تعریف خسارت معنوی

خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پرابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا با این که در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته



و تألیفات حقوقدانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اما در هیچ یک از متون مزبور تعریفی از خسارت معنوی به عمل نیامده است و حقوقدانان نیز در تعریف آن وحدت نظر ندارند. البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره ای از عناصر مهم تشکیل دهنده خسارت معنوی اشاره شده است. مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده است: کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد. در ماده ۹ ق. آ. د. ک نیز آمده است: ضرر و زیانی که قابل مطالبه است به شرح ذیل می باشد. ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی. ذیل ماده ۵۸ ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸ نیز آمده است: ... و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام نمود. از مجموع مواد مزبور چنین استفاده می شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است ولی بی تردید خسارات معنوی محدود به این نبوده و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانون مورد عنایت قرار نگرفته است از جمله:

- ۱- صدمات عاطفی مانند بی توجهی غیرقابل تحمل که هر یک از زوجین به دیگری، آزردن فرزند در مقابل مادر یا پدر او یا برعکس.
- ۲- بعضی لطمات روحی از قبیل تهدید یا ترساندن شخص یا دادن خبرنگار یا اهانت به معتقدات مذهبی و مقدسات اشخاص و امثال آن که معمولاً نه جنبه حیثیتی دارد و نه به اعتبار اجتماعی یا شخصی فرد خدشه وارد می سازد.
- ۳- تألمات جسمانی مانند شکنجه بدنی یا درد ناشی از ضرب و جرح و امثال آن که باز با مقولات قبل کاملاً متفاوت است.

لذا به منظور یافتن تعریفی جامع و مانع از این پدیده ابتدا نظرات برخی نویسندگان و محققین را در این قلمرو مرور و در نهایت تعریفی که کاملتر به نظر می رسد انتخاب می کنیم. احمد



ادریس زیان معنوی را چنین تعریف می‌کند: زیان معنوی (یا ادبی) زیانی است که بر شعور، احساسات، آبرو، شخصیت و اعتبار انسان مترتب می‌شود.<sup>۱</sup> جعفری لنگرودی خسارت معنوی را چنین تعریف می‌کند: ضرری است که به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او وارد می‌شود.<sup>۲</sup> حسینی نژاد در شبه تعریفی از خسارت معنوی آورده است: خسارت معنوی عبارت است از آسیب رساندن به حق شخصیت و تألم جسمی و یا آسیب روانی و یا آسیب به احساسات عاطفی. کاتوزیان در تعریفی کوتاه خسارت معنوی را صدمات وارد به منافع عاطفی و غیرمالی دانسته است. در بین تعاریف فوق تعریف اول کاملتر و جامع تر به نظر می‌رسد، اما به لحاظ این که در تعریف مذکور نیز به درد جسمانی اشاره روشنی نشده است و از طرفی بین شعور و احساسات مرز روشنی نمی‌توان ترسیم کرد، بهتر است خسارت معنوی چنین تعریف شود: هر گونه ضایعه و زیان غیرمجاز را که از هتک حیثیت و یا لطمه به اعتبار اجتماعی یا فردی شخص و یا به لحاظ تألمات جسمانی و یا روحی و بالاخره به سبب صدمت عاطفی حاصل می‌شود، خسارت معنوی گویند.

### بند دوم: مصادیق و انواع خسارت معنوی

ضرر معنوی ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود. گاهی به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت؛ هم چون ضرری که بر شرف، اعتبار و آبروی شخص وارد می‌آید؛ نظیر قذف، سب، تهمت و افترا. گاهی به صورت درد جسمی که زیان دیده از حادثه ای دچار آن می‌شود و یا به صورت اختلال روانی حاصل از حادثه ای به علت اینکه چهره‌ی زیان دیده گریه گردیده، ظاهر می‌شود. یا بر اثر جریحه دار شدن احساسات و عواطف مثل غم و اندوه وارده به شخصی که نزدیکان خود را در نتیجه تصادف از دست داده است نمودار می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت: خسارت معنوی بر دو قسم است:

<sup>۱</sup> ادریس، احمد، عوض، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲،

ص ۳۱۶

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۴۱۶



۱. زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت و به طور خلاصه آن چه در زیان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است.

۲. لطمه به عواطف و ایجاد تالم و تاثر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود و ملاحظه یدرد و رنج آنان می‌بیند.

### بخش دوم: جایگاه خسارت معنوی در قوانین جاری کشور

در قوانین جاری ایران خسارت معنوی به طور جدی مورد عنایت قرار گرفته و قانونگذار چه در قانون اساسی و چه در قوانین مدنی و عمدتاً در قوانین کیفری خسارات معنوی را از موجبات مسؤولیت و مستلزم جبران دانسته است. به این نحو که: اول در قانون اساسی، در اصل ۱۷۱ آمده است: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.» در این قانون که اصول مهم حقوقی و بنیادهای اصلی نظام مطرح گردیده ضرر معنوی در عرض و هم عرض ضرر مادی مطرح و مورد عنایت قانونگذار قرار گرفته و به وضوح وارد کننده خسارت معنوی را در مسئول یا ضامن قلمداد کرده است و طبعاً متضرر را مستحق مطالبه خسارت ناشی از ضرر معنوی می‌شمارد و به تفصیلی که خواهیم دید یکی از شایع‌ترین روشهای جبران خسارت، پرداخت مابازاء مالی به خسارت دیده است.

دوم این که در قوانین مدنی از جمله قانون مسؤولیت مدنی (۱۳۳۹) که مناسبترین جا جهت طرح خسارات مادی و معنوی است نیز با شرح کامل خسارت معنوی مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. در ماده یک این قانون آمده است: «هر کس... به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شرف تجارتي یا حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» در این ماده همانند ق. اساسی خسارت معنوی در عرض خسارت مادی تلقی شده، عامل را صریحاً مسئول جبران خسارت وارده دانسته و در مواد ۲ و ۸ و ۹ و ۱۰ همین قانون باز هم خسارت معنوی مورد توجه و حکم قرار گرفته است. در مواد ۲ و ۹ و ۱۰ زیان معنوی با



صراحت مطرح ولی در ماده ۸ قانون مزبور از خسارت معنوی به زیان وارد بر حیثیت و اعتبارات و موقعیت (شخصی یا خانوادگی) تعبیر شده است.

به هر حال در موارد چهارگانه مذکور خسارت معنوی موجب مسئولیت و در نتیجه مستلزم جبران شناخته شده است. در ماده ۳۰ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ نیز مسئله خسارات مادی و معنوی به طور تلویحی مطرح شده است که البته روند تصویب ماده مزبور دلالت بر نظر مثبت قوه مقننه بر ضرورت توجه خاص به خسارات معنوی دارد. پیش از قوانین مدنی، در قوانین کیفری نیز خسارات معنوی مطرح و موضوع حکم قرار گرفته است.

جمله ای از این موارد به شرح زیر می باشد: ۱- صریحتر از سایر متون قانونی کیفری در ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر گردیده: «ضرر و زیانی که قابل مطالبه است... ۲- ضرر و زیان معنوی که عبارتست از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی». ۲- در ماده ۱۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نیز خسارت معنوی در کنار خسارات مادی مورد توجه واقع شده است. در متون قوانین کیفری سابق که بعضی از آنها هنوز منسوخ نگردیده بیش از متون موجود بر این مهم تأکید شده است. از جمله در مواد ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی سابق و تبصره ۱ ماده ۲۰ ق. مطبوعات سابق قانونگذار با صراحت ترتیب تعیین مابازاء مالی در قبال خسارت معنوی را مقرر داشته است.<sup>۱</sup>

### بخش سوم: جایگاه خسارت معنوی در متون فقهی و اسلامی

علاوه بر قرآن کریم که در بعضی آیات به منع ایراد خسارت (اعم از مادی و معنوی) اشاره دارد و در بعضی دیگر با اندیشه ایراد خسارت معنوی به شدت مبارزه شده است. «۹» در متون روایتی نیز اشاره و تصریحات متعددی به این مقوله شده است از جمله: ۱- روایت زراره از امام باقر (ع) راجع به قضیه سمره بن جندب که به روایت لا ضرر نیز معروف است. و عبارت اصلی حدیث چنین است: «... اذهب فاعلها وارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار... ۲- روایت ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) راجع به رم دادن شتر و بر زمین خوردن راکب آن که حکم جبران خسارات

<sup>۱</sup> نیک فرجام، زهره، پیشین، ص ۱۰۸



(اعم از مادی و معنوی) صادر فرموده اند متن اصلی این روایت چنین است: ... کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه. ۳- روایت ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) که در مورد مسؤولیت ناشی از اضرار به مسلمین صادر شده است. متن اصلی روایت که با حدیث بالا شباهت دارد چنین است: کل من اضر بشیی من طریق المسلمین فهو له ضامن. در بسیاری از کتب فقهی نیز به مسئله خسارات معنوی اشاره و بعضی از آنها مورد بحث و تجزیه و تحلیل واقع گردیده است. مثلاً خوانساری که از شاگردان مبرز مرحوم نائینی است می نویسد: ضرر عبارتست از فوت چیزی که انسان آن را واجد است، خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا عضوی از اعضاء بدن... قبل از ایشان مرحوم عبدالفتاح مراغی می نویسد: هتک عرض از مصادیق ضرر حقیقی است و امثال آن ضرر محسوب می گردد. ادعای این که ضرر متصرف به مال یا بدن است و شامل امثال هتک عرض نمی شود، حرف بی جایی است بلکه حق این است که این گونه ضایعات مصداق ضرر است. آیت... مکارم شیرازی نیز در تعریف ضرر می نویسد: ضرر از دست دادن هر چیزی است که ما واجد آنیم و از آن نفع می بریم از مواهب حیات یا نفس یا مال یا عرض...

### بند اول: ضرورت جبران خسارت معنوی

وصف تندرستی بدن انسان، شادابی، حیثیت و آبروی شخص، سلامت روح و روان، حرمت و شأن اجتماعی و بسیاری از امور غیر مالی دیگر که به شخصیت انسان بر میگردد، نه تنها از لحاظ شرعی محترم است بلکه از لحاظ بنای عقلا و حکم عقل نیز تجاوز به این امور جایز نیست. از اینرو شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد باید از سوی دیگران محترم شمرده شود. در حقوق ایران نیز گذشته از اینکه اغلب حقوقدانان قائل به جواز جبران خسارت معنوی هستند، تعدادی از صاحب-نظران در این زمینه شدیداً با صدق عنوان ضرر بر خسارتهای معنوی و یا قابلیت و امکان جبران آن مخالف بوده و معتقدند که طبیعت خسارتهای معنوی به گونه ای است که به هیچ وجه قابل جبران نیست عدهای از دانشمندان علم حقوق نیز بر این نظر بودند که از دیدگاه نظری امکان جبران رنج و الم احساس شده و یا حیثیت برباد رفته وجود ندارد؛ چون اینگونه امور قابل تقویم به پول نیست. عدهای دیگر



گویند: حتی تقویم آن به پول، ممکن است نوعی اهانت به شخصیت کسی که آنرا تحمل کرده تلقی گردد. از دیدگاه عملی نیز برآورد خسارت معنوی با مشکلاتی همراه است. چون در عمل، قاضی میزان ضرر و زیان را بر مبنای تقصیر مرتکب تعیین میکند، در حالیکه مسئولیت مدنی قط هنگامی عادلانه تلقی میگردد که صرفاً بر مبنای خسارت واقعی به زیان‌دیده تقویم، شده باشد اما با گذشت زمان، تحولاتی در این زمینه ایجاد شده است، به طوریکه اکثریت‌تقریب به اتفاق حقوق‌دانان اعم از داخلی و خارجی امروزه به ضرورت جبران هر نوع ضرر و زیان معنوی معتقدند و در مقام رد دلایل مخالفان اظهار می‌دارند: اول، پرداخت مبلغی پول، یگانه راه ترمیم خسارت وارد شده به متضرر نیست و اغلب قانونگذاران طرق جبرانی دیگری را نیز مدنظر قرار داده‌اند. دوم، هدف از جبران زیان الزاماً اعاده به وضع سابق نیست، بلکه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد پیدا کردن راهی است برای تسکین آلام و تأمین خرسندیهای معنوی و ترضی‌ی خاطر زیان‌دیده و بدون تردید، پرداخت مبلغی پول به همان گونه که با پول در امور مادی میتوان معادلی کاتوزیان در این خصوص می‌گوید برای مال تلف شده پیدا کرد، تأمین خرسندیهای معنوی نیز امکان دارد. این خرسندیها قادر نیست اندوه و تأثر عاطفی را از بین ببرد، ولی همین اندازه که آلام روحی را تسکین دهد کافی است تخصیص مقداری پول برای کسیکه دردهایی را تحمل میکند مانند: شاید بتوان گفت کسی که چهره‌ی زیبای او زشت شده، به او اجازه میدهد که مثلاً به پزشک ماهری مراجعه کند تا او را تسکین دهد و در حد امکان در رفع نقص بکوشد. لازمه‌ی ترمیم یک زیان، همیشه آن نیست آنچه را که منهدم شده از نو بنا کنند، بلکه اغلب آن است که به زیان‌دیده امکان داده شود تا معادل آنچه را که از دست داده به دست آورد و از این طریق رضایت خاطرش فراهم شود. هر حال امروزه تئوری جبران خسارت معنوی به طور گسترده‌ای تکامل یافته و مقرراتی در خصوص آن پیشینی شده است.

با وضع ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ضرر و زیان معنوی و قابل جبران بودن آن، به طور صریح مورد نظر قانونگذار قرار گرفت و پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی قواعد مربوطه توسعه‌ی بیشتری یافت.، به عنوان مثال در ماده‌ی ۲ قانون مذکور مقرر میدارد:





هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان و ... یا به هر حق دیگر ... لطمه وارد نماید که موجب ضرر و زیان مادی و معنوی شود، مسئول جبران خسارت . ناشی از عمل خود میباشد کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد میشود، میتواند از کسیکه لطمه وارد آورده، جبران ضرر و زیان مادی و معنوی خود را بخواهد . هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید". روشهای مختلفی که جهت جبران خسارت معنوی به کار میرود به تناسب انواع خسارات معنوی، مختلف است که عمده ترین آنها جبران مالی و غیر مالی است . گاه در فقه اسلامی، بعضی اعمال که موجب خدشه و لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص میشود مثل قذف یا تهمت، دارای عواقب کیفری یا اخروی است . بدیهی است که این ضمانت اجراها، می تواند دلالت بر توجه دین اسلام بر ضرر معنوی نماید. با این وجود در فقه اسلامی روش شناخته شدهای برای جبران ضررهای معنوی وجود ندارد، اما به نظر میرسد که روشهای متداول در حقوق عرفی و موضوعه، اعم از جبرانهای مالی و غیرمالی میتواند در فقه قابل پذیرش باشد . زیرا روشهای جبران خسارت اموری نسبی و برآیندی از اندیشههای حقوقی و اجتماعی در هر عصر هستند و روشهایی که اکنون بهمنظور جبران ضرر معنوی بهکار میروند، قطعاً غیر عقلایی نیستند و در مواردی که سکوت شرعی وجود دارد، فقها به سیره و بنای عقلا استناد میکنند . پس روشهای موجود مخالف با احکام و مبانی شرعی نمیشوند. بنابراین پذیرش جبران مالی و انواع جبرانهای غیر مالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است .

### بند دوم: ضرورت جبران خسارت معنوی در فقه

دین اسلام تجاوز به امور معنوی را حرام شمرده است . اهانت، تحقیر و سبک شمردن اشخاص به حکم عقل، آیات، روایات و اجماع ممنوع و حرام است قرآن کریم آیات فراوانی به مذمت و نهی از کوچک شمردن دیگران، تمسخر، توهین و غیبت، به کار بردن القاب زشت، تهمت و افترا و .. پرداخته است. پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه ی اطهار (ع)



نیز بر حرمت تعدی به حقوق شخصیت و صدمه به اعتبار و حقوق معنوی افراد به اشکال گوناگون تاکید ورزیده‌اند. آنچه از مجموع آیات و روایات به وضوح استنباط می‌شود این است که شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد دارای احترام ویژه‌ای است که باید از سوی دیگران محترم شمرده شود و همانطور که گفته شد حکم شرعی در خصوص ایراد خسارت معنوی، حرمت است پس بر اساس حکم شرع و عقل، حکم تکلیفی حرمت بر اعمال موجب خسارت معنوی، ثابت می‌باشد. بر این اساس تا وقتی که آثار زیان معنوی از زیان‌دیده زدوده نشود، اثر حرمت باقی است و برای از بین بردن پایداری و ادامه‌ی زیان، باید زیان معنوی جبران شود و ضرورت جبران خسارت معنوی ثابت است. از این رو در فقه به همان اندازه‌ای که جسم و جان اشخاص، مورد حمایت قرار گرفته، حقوق معنوی نیز مورد حمایت قانونگذار واقع شده است. اگرچه بعضی اظهار داشته‌اند که در کلمات فقها چیزی که دلالت بر رد یا قبول ضمان ضرر معنوی نماید به چشم نمی‌خورد، اما به نظر می‌رسد که در خصوص جایگاه خسارت معنوی و مضمون بودن آن از دید فقهی باید ملاحظات زیر را مدنظر قرار داد:

درست است که ضرر معنوی جایگاه شفافی در مآخذ فقهی ندارد، لکن نفی هم نشده است. به طوری که فقیهان شورای نگهبان قانون، درباره‌ی تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۹۰ قانون مطبوعات اظهار داشته‌اند طرح دعوی خسارت معنوی، مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن است؛ اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی، مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب به آن در صورت مطالبه‌ی ذیحق لازم است. امام خمینی، عرف را در هر جا و در هر عصر و زمان معتبر می‌شناسد. به نظر ایشان عرف در هر زمان و مکان تحقق پیدا کند و رد و منعی از آن نشده باشد حجت است. پس وقتی شارع آنرا رد نفرموده و از آن جلوگیری نکرده، به دست می‌آوریم که عمل به عرف عقلا مورد رضایت و اجازه‌ی شارع است بر این اساس مفهوم ضرر نیز امری است که در خصوص آن عرف نظر می‌دهد. شأن نزول حدیث لاضرر، که از مشهورترین احادیث بین فرق مختلف مسلمین است، در مقام نفی ضرر معنوی است. پیامبر (ص) شخصا عهده دار امر قضا بودند و



هر موردی را که در جامعه‌ی آن روز نیاز به رسیدگی قضایی داشت، نزد آن حضرت میبردند؛ ایشان نیز طبق موازین شرع شخصا حکم میدادند. نمونه‌هایی از دادرسی پیامبر اکرم (ص)، نقل شده که از آنجمله عبارتند از: احوال شخصیه، ادعای حق شفعه، دعوی مالکیت کالا، دعوی جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق بنابراین می‌توان اظهار داشت که اگر قائل به نظری باشیم که مفاد قاعده را نفی حکم ضرری می‌داند، قاعده‌ی لاضرر برای مسئولیت مدنی کافی نیست؛ زیرا هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران زیان است و رفع حکم ضرری نیز به عنوان یکی از وسایل جبران ضرر مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین ارتکاز عقلایی این است که وارد کننده‌ی زیان باید زیان وارد شده را تدارک کند. حال اگر شارع این حکم را امضا نکند، با وضع نکردن حکم و الزام وی به پرداخت خسارت، ضرر دیگری را باعث می‌شود که قاعده‌ی لاضرر آنرا نفی می‌کند. بنابراین قاعده‌ی لاضرر، با تدارک و جبران ضرر، جلوی ضررهایی که در آینده ممکن است پیش آید را نیز میگیرد. از فقهای معاصر که عقیده دارند قاعده‌ی لاضرر دلالت بر اثبات حکم میکند، مکارم شیرازی است بر این اساس میتوان اظهار داشت که در سوابق فقه اسلامی ضرر معنوی مورد توجه قرار گرفته و در مورد شیوه‌ی جبران آن نیز مصداقی در سنت عملی رسول الله (ص) وجود دارد. به طوری که از زمخشری نقل شده که پیامبر (ص)، علی (ع) را فرستاد تا دیه‌ی قومی را که مورد تعرض خالد ابن ولید قرار گرفته بودند بپردازد. علی (ع) حتی عوض ترسی را که در اثر هجوم اسبها بر زنان و کودکان عارض شده بود پرداخت. این عملکرد در واقع جبران مالی ضرر معنوی استامام خمینی (ره) بر آن است که مفاد قاعده‌ی لاضرر، نهی حکومتی است. به این بیان که برخی از امرها و نهی‌هایی که از پیامبر (ص) صادر شده، به اعتبار مقام حکومت ایشان بوده است. بنابراین نهی پیامبر (ص) برای قلع ماده‌ی فساد صادر شده و معنای آن این بوده که در حکومت من هیچکس نباید به دیگری ضرر وارد کند. به همین دلیل ایشان دستور به کندن درخت سمره میدهند. امام خمینی دلایل کسانی را که قاعده‌ی لاضرر را مثبت ضمان نمی‌دانند، کافی ندانسته و بعد از اینکه قاعده را از احکام سلطانیه می‌شمارند، می‌فرمایند: در صورتیکه از معنی سلطانی بودن حکم لاضرر چشم پوشی کنیم، معنی



نخواهد داشت که جمله‌ی لاضرر شریع-کننده باشد و این توهم که استفاده‌ی نفی احکام ضرری و اثبات ضمان از لفظ و استعمال واحد جایز نیست، باطل است؛ زیرا درحالی‌که نفی هم به قوت خود باقی باشد، اشکالی وجود ندارد در اینکه نفی ضرر و ضرار با توجه به اینکه در خارج مصداق دارند، از حقایق ادعائیه باشد نه اینکه مجاز در کلمه یا مجاز در حذف باشد و ناچار در موارد ادعای نفی حقیقت در جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق خارج، مصحح لازم است و این مصحح در اینجا بستن راه تمام انواع ضرر در حوزه‌ی اسلام است.

### بخش چهارم: شیوه‌های جبران خسارت معنوی

برای جبران خسارات مادی در متون قانونی شیوه‌های متداول و شایع و در عین حال نسبتاً ساده‌ای پیش‌بینی شده است که در اجرای اصل اعاده وضعیت زیاد دیده به حالت قبل از ورود خسارت شامل سه روش متعارف زیر است: دادن عین مال خسارت دیده یا مثل یا قیمت آن که به ترتیب مورد عمل واقع می‌شود ولی هنوز برای جبران خسارات معنوی شیوه مشخص و روشنی پیش‌بینی نشده است. دلایل نارسائی شیوه‌های جبران در خسارات معنوی جهات مختلفی دارد که موارد زیر را می‌توان به عنوان علل اصلی برشمرد:

#### بند اول: دلایل نارسایی شیوه‌های جبران خسارت معنوی

۱- بعضی حقوق دانان فرانسوی خسارات معنوی را قابل جبران نمی‌دانند. اینان معتقدند:

الف - خسارات معنوی دارای ماهیت خاص می‌باشند و با روحیات و عواطف انسانها ارتباط تنگاتنگ دارند. در نتیجه امکان ترمیم صدمات روحی و عاطفی و حتی ضایعات جسم به سادگی مقدور نیست. چگونه می‌توان عضو از دست رفته انسانی را به حالت نخست برگرداند و چشمی را که در اثر صدمه وارده از ناحیه دیگری نابینا شده یا گوش‌ی که ناشنوا گردیده است ترمیم کرد و به طریق اولی ترمیم عواطفی که جریحه دار شده، روانی که آزرده گردیده و رنجی که بر شخص تحمیل شده است، نیست.

ب - هیچ وسیله اطمینان بخشی جهت جبران خسارت معنوی نمی‌توان یافت زیرا ارزیابی میزان خسارات معنوی و تعیین معادل یا مابا ازاء این گونه خسارات مقدور نیست.



۲- به لحاظ اشکالات عملی فوق الذکر از طرفی و احیاناً شیوع بیش از حد زمینه های ورود خسارات معنوی به افراد در جامعه ایران، محاکم قضائی کمتر خود را درگیر این گونه مسائل پیچیده و پردردسر می نمایند. به ویژه این که تعداد پرونده ها در امور حقوقی و کیفری به حدی است که مجالس جهت پرداختن به این امور که از ظرافت خاصی برخوردار بوده و اظهارنظر در مورد آن به حذاقت فراوان نیاز دارد نمی ماند.

## **بند دوم: روشهای متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود**

روشهای متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود بدین شرح است:

۱. موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر: از میان شیوه های فوق در متون قانونی به مورد نخست کمتر اشاره شده است. تنها در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به این شیوه توجه شده است. از عبارت ماده چنین استنباط می گردد که قانونگذار در مقام بیان مناسب جبران خسارات وارده به اعتبارات و حیثیات تجاری یا حرفه ای می باشد. این مقوله بیشتر در چارچوب خسارات معنوی می گنجد و تنها موارد نادری از خسارات معنوی را شامل می شود. به شرط این که: اول، در اثر تصدیقات یا صدور گواهیهای غیرقانونی یا نشر مطالب خلاف واقع حیثیت و آبروی کسی در معرض تجاوز قرار گرفته باشد و دوم: از این بابت شخص متضرر گردیده باشد و سوم: از طریق موقوف نمودن عملیات مزبور بتوان رفع خسارت نمود. اما در واقعه سمره که شرح آن گذشت (۳۰) تمسک به این شیوه بارزتر می نماید، زیرا علیرغم خسارات معنوی مسلمی که به لحاظ بی حرمتی به حریم منزل شخص شاکی وارد گردیده در متن حدیث هیچ گونه بیانی بر تعیین ترتیب جبران این خسارت نشده است و رسول گرامی اسلام (ص) تنها با صدور دستور قطع درخت رفع خسارت نموده اند.

۲. عذر خواهی شفاهی از خسارت دیده: این مورد تنها در صدمات معنوی کم اهمیت و جزئی کاربرد دارد و بعضی از آنها مؤثر است و الا خسارات عظیم حیثیتی یا آبروئی یا ناموسی و عاطفی از قبیل بدنام کردن یک فرد یا خانواده، جریحه دار کردن عواطف افراد، وارد



کردن فشارهای روحی شدید چگونه از طریق معذرت خواهی یا درج اطلاعیه ای در روزنامه و امثال آن جبران یا حتی تعدیل می گردد.

۳. عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتذار در جراید: این مورد نیز تنها در صدمات معنوی کم اهمیت و جزئی کاربرد دارد و بعضی از آنها مؤثر است و الا خسارات عظیم حیثیتی یا آبرویی یا ناموسی و عاطفی از قبیل بدنام کردن فرد یا خانواده، جریحه دارد کردن عواطف افراد، وارد کردن فشارهای روحی شدید چگونه از طریق معذرت خواهی یا درج اطلاعیه ای در روزنامه و امثال آن جبران یا حتی تعدیل می گردد.

۴. اعاده حیثیت از خسارت دیده به هر نحو دیگر: این مورد نیز با این که ذیل اصل ۱۷۱ ق. اساسی به کار رفته مصداقی جز موارد سه گانه فوق یا مورد پنجم ندارد.

۵. پرداخت مال یا مابازا مادی به خسارت دیده: بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مؤثرترین وسیله ممکن جهت جبران خسارات معنوی مورد پنجم یعنی پرداخت مال یا مابازا مادی به خسارت دیده است. زیرا همان طور که اشاره شد در بسیاری از موارد که صدمت روحی و عاطفی شدید است کمتر می توان با اعتداری شفاهی یا کتبی رنج و آلام و صدمات روحی خسارت دیده را التیام بخشید و چه بسا تأثیر چندانی بر جراحات درونیش نگذارد. مجازاتها و ضمانتهای اجرائی کیفی نیز صرفاً برای حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق عمومی است، در حالی که خسارات شخصی زیان دیده می باشد. بنابراین باید اذعان نمود که هیچ وسیله ای مؤثرتر و کارا تر از پرداخت وجه یا انتقال مال با رعایت تناسب بین فشارهای روحی وارده و مابازاء مالی آن نمی توان به دست داد لذا:

اول: این طریقه جبران خسارات معنوی در نظامهای حقوقی غرب که تجربه طولانی تری در این زمینه دارند جایگاهی وسیع یافته است. در این نظامها قوای مقننه با تصویب قوانین متعدد و صریح روشهای مطلوبی را جهت جبران خسارات معنوی به روش مادی مقرر داشته اند. محاکم قضائی به ویژه دادگاههای عالی نیز بر ضرورت جبران خسارت معنوی از طریق پرداخت پول یا اموال مادی پا فشرده اند. علاوه بر اینها محققین غربی تحقیقات جامع الاطرافی در این مورد انجام داده اند که به عنوان نمونه به یک مورد از این گونه تحقیقات اشاره می شود «کانیله» به



هدف تعیین میانگین خسارات معنوی وارده بر افراد در رابطه با از دست دادن خویشاوندان نزدیک ناشی از ارتکاب جرائم در سال ۱۹۳۸ در یک بررسی آماری دقیق حقوقی قریب ۵۰۰ رأی صادره بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ در دادگاههای استیناف شهرهای پاریس، زن، مونپلیه و نیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و چنین نوشته است: «... محاکم مزبور برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ همسر به طور متوسط مبلغ ۲۴۸۶۲ فرانک فرانسه (میانگین حاصل از حداقل ۱۰ هزار و حداکثر ۸۰ هزار فرانک) و برای جبران عم و غصه ناشی از مرگ پدر یا مادر مبلغ ۳۹۶۴۸ فرانک (میانگین حاصل از حداقل ۱۰ هزار و حداکثر ۵۰ هزار فرانک) و برای جبران غم و غصه ناشی از مرگ یک فرزند مبلغ ۱۵ هزار و ۴۹۰ فرانک تعیین کرده اند.

دوم: نظام حقوق ایران در مواردی صریحا و در مواردی تلویحا بر این مطلب تأکید دارد. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی پس از ذکر مصداقی بارز از خسارات معنوی آمده است: ... دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارات مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر... نماید» در این ماده به روشنی جبران مالی خسارات معنوی پیش بینی شده است، اما در مواد ۱، ۲، ۹۰۸ قانون مزبور و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به طور ضمنی اشاره دارد مثلا در اصل ۱۷۱ آمده است: «... در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است.» سوم: بسیاری از صاحب نظران و حقوقدانان قویا بر مؤثر بودن این طریقه (پرداخت وجه یا انتقال مال) صحه گذاشته و آن را به عنوان وسیله ای مناسب جهت جبران خسارات معنوی پذیرفته اند. در زیر به چند مورد آن اشارت می رود:

۱- شاید پر سابقه ترین نظر و عملکرد در این زمینه اقدام حضرت علی (ع) در واقعه ای باشد که طی آن یکی از سرداران اسلامی از چارچوب اختیارات خود تخطی نمود و تعدیاتی را بر عده ای از افراد روا داشت، حضرت علی (ع) مأمور جبران خسارات وارده بر این قوم می شود و طبق سوابق تاریخی موجود حضرت، عوض بیم و خوفی را که زنان و کودکان به دلیل تاخت و تاز اسبان تحمل کرده بودند می پردازد. «۳۴» احمد ادریس می نویسد: «من فکر نمی کنم که هیچ کس در جواز تعویض در زیانهای ادبی (معنوی) از حضرت علی (ع) پیشی گرفته باشد.»



- ۲- عاملی به نقل از کاپیتان میگوید: «پول مرهم بسیاری از دردها و متاعب است.»
- ۳- عاملی در این زمینه می گوید: به نظر ما هر چند خسارت معنوی به هر مبلغی که تعیین شود نمی تواند کاملاً جبران صدمات معنوی و روحی وارده به زیان دیده را بنماید ولی چون راهی برای جبران صدمات مزبور نیست پرداخت خسارت معنوی به زیان دیده می تواند تا حدی موجب تسکین خاطر او گردد.»
- ۴- حسینی نژاد، می نویسد: «رویه قضائی در فرانسه هیچ گاه در ترمیم خسارت معنوی تردید نکرده است منتهی میزان مبلغی که در دعوی خسارت معنوی بدان حکم داده می شود معمولاً کمتر از میزان خسارت مادی است.»
- ۵- کاتوزیان نیز می نویسد: «به نظر می رسد که مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بحث درباره امکان صدور حکم به جبران خسارت معنوی با بیهوده می سازد و ضرر معنوی را در کنار زیانهای مادی قابل مطالبه اعلام می کند.»
- ۶- احمد سنهوری می نویسد: «جمهور فقهاء در عصر قائل به جواز جبران خسارت معنوی هستند... و در کشور مصر قوانین و رویه قضائی قائل به جواز جبران خسارت معنوی شده اند و در قانون مدنی جدید مصر بر این اصل تأکید شده است.»

### نتیجه گیری

نتیجه حاصل از بحث مسئولیت مدنی در حقوق ایران آن است که در خصوص مسئولیت های مدنی، قانون ما در بعضی از زمینه ها نظریه تقصیر را قبول کرده و در برخی از فعالیت ها به ویژه در مسائل مربوط به حوادث کار و حوادث رانندگی، نظریه خطر و نظریه تضمین اجتماعی یا نظریه تضمین حقوق افراد را برگزیده است. در واقع آنجا که نفع عموم مورد نظر است و مسائل حمایت اجتماعی به نحو حادثی مطرح می شود مسئولیت مدنی متکی بر نظریه خطر مورد قبول واقع شده است. دعاوی راجع به خسارات معنوی در محاکم قضائی ایران بسیار مهجور مانده و بیشتر قضات عنایت چندانی به این گونه دعاوی نکرده اند و اگر هم مدعیان را جدی ببینند آنان را به اغماض و چشم پوشی از دعاوی خود دعوت نموده اند و یا حداکثر موضوع را از طریق صلح و سازش فیصله داده اند. امروز یکی از وظایف بسیار مهم و





جدی دستگاههای قضائی و اجرائی و قانونگذاری کشور پر کردن خلأهای ناشی از نارسائی قوانین و یا فقدان رویه های قضائی روشن و بالاخره نبودن ضمانت های اجرائی محکم در موارد مخدوش شدن حیثیات و اعتبارات شخصی و اجتماعی افراد و لگدمال شدن عواطف و احساسات انسانها است. در این رابطه پیشنهاد می شود مجلس شورای اسلامی در متون قانونی مربوط ( آیین دادرسی مدنی ، کیفری ، قانون مسئولیت مدنی ) که جایگاه اصلی طرح ضوابط راجع به خسارات معنوی است با پیش بینی مواردی گویا و جامع خلاء موجود را پر نمایند . همچنین قوه قضائیه و محاکم قضایی کشور که دومین منبع معتبر قوانین عادی کشور محسوب می شوند یا بنیان نهادن رویه ای محکم و استوار در خواستهای راجع به خسارت معنوی را پذیرا شوند و بکوشند تا موجبات احقاق حق مطلوب افراد جامعه را در این قلمرو فراهم سازند





## منابع و مآخذ

- ۱- امامی، حسن، (۱۳۶۳)؛ حقوق مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۲- بادینی، حسن، (۱۳۸۴)؛ فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- ۳- باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۵)؛ مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- ۴- ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۵)؛ اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- ۵- حاجی عزیزی، بیژن، (۱۳۸۰) روشهای جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی پژوهشی، تهران، دانشگاه شاهد
- ۶- حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۰)؛ مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران، نشر جهاد دانشگاهی
- ۷- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۰ ق)؛ وسائل الشیعه، جلد ۱۷، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۸- حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۶)؛ مسئولیت مدنی در فقه امامیه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۹- خمینی، روح الله، (۱۳۶۹)؛ تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- زرگوش، مشتاق، (۱۳۸۹)؛ مسئولیت مدنی دولت، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۱- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۹)؛ روش تهیه پژوهشنامه، تهران، نشر دوران، چاپ دوم
- ۱۲- شمس الدین، مهدی، (۱۳۶۹)؛ نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه مرتضی آیت الله زاده، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۳- نجفی خوانساری، موسی، (۱۴۱۸ ق)؛ منیه الطالب، تقریرات میرزا محمد حسن نائینی، جلد اول، قم، موسسه نشر اسلامی.

۱۴- یزدانیان، علیرضا، (۱۳۸۶)؛ قواعد مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول

### ج: منابع عربی:

۱۵- السنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۷)؛ مصادر الحق فی فقه اسلامی، جلد اول، بیروت، نشر دار الاحیاء.

۱۶- نجفی، محمد حسن، (۱۹۹۷)؛ جوار الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۷، بیروت، نشر الاسلامی

### ز: پایان نامه ها:

۱۷- کریمی، خدیجه، (۱۳۸۵)؛ مسئولیت مدنی دولت، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه اصفهان

مبین، حجت، (۱۳۸۷)؛ نظریه قابلیت استناد به عنوان مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی